

فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۸۸: ۱۰۶-۸۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۱/۲۶

نقد چهل لغت ترجمه شده‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی همراه با ارائه‌ی پیشنهادهای جدید و روشهای اصلاحی

امید مجد*

چکیده

یکی از بزرگترین نیازهای روز زبان فارسی، ترجمه و مقابله با هجوم و حضور هزاران لغت علمی است که همراه با علوم و فنون مختلف، به زبان فارسی سرازیر شده‌اند. بدیهی است این امر نیازمند آگاهی، تحقیق و تمرین لغت‌سازان و مترجمانست. از سوی دیگر لازمست علاوه بر ساختن لغات تازه، لغات علمی‌ای که تاکنون دیگران ساخته‌اند، نقد و بررسی شود، تا با طرح معایب و محاسن آنها، لغات نادرست حذف گردد. هدف این مقاله نیز همین است و پس از ارائه نظریه‌های کلی لغت‌سازی، چهل لغت در رشته‌های مختلف علمی را که به‌دست فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد فرهنگ (که در رژیم پهلوی کاری مشابه فرهنگستان امروز می‌کرد) ترجمه شده‌اند، بررسی می‌کند و معایب آن را بر می‌شمارد. همچنین برای اکثر لغات نقد شده، لغات جایگزین پیشنهاد شده‌اند.

واژگان کلیدی: زبان روز، دستور درست، واژه‌سازی.

مقدمه

هدف اصلی این مقاله، نقد لغات ساخته شده‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه‌ی علوم مختلف است. بدین منظور ابتدا اشاره‌ای به اصول نه‌گانه‌ی فرهنگستان در زمینه‌ی لغت‌سازی و نقد آن خواهیم داشت.

آنگاه معایی را که این ترجمه‌ها دارند، فهرستوار همراه با ذکر مثالی برای هر کدام می‌آوریم. سپس روشهای دیگر پژوهشگران اهل فن را در واژه‌سازی ذکر خواهیم کرد و شیوه‌های خود را نیز شرح خواهیم داد.

در پایان به توضیح مندرجات جدول نقد لغات می‌پردازیم و چهل لغت را نقد خواهیم کرد.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اصول نه‌گانه‌ی خود را پیش از این در کتابی به نام **اصول و ضوابط واژه‌گزینی** به چاپ رسانده است، فشرده‌ی آن اصول بشرح زیر است: «اصل ۱: در انتخاب معادل فارسی برای واژه‌های بیگانه، واژه فارسی حتی الامکان باید به زبان معیار امروز نزدیک باشد.

اصل ۲: در واژه‌گزینی باید قواعد دستور زبان فصیح و متداول امروز رعایت شود.

اصل ۳: قواعد آوایی در آن رعایت شود و کلمات تنافر حروف نداشته باشند و لغت فارسی، حتی الامکان از لغت بیگانه کوتاهتر باشد.

اصل ۴: لغات انتخاب شده تصریف پذیر و اشتقاق پذیر باشند.

اصل ۵: نو واژه‌های معادل هر خوشه‌ی واژگانی باید هم‌ریشه و هم‌پایه باشند.

اصل ۶: معنای واژه زودیاب و روشن باشد.

اصل ۷: برای هر لفظ، ترجیحاً فقط یک معادل برگزیده شود و از تنوع و تعداد واژه‌ها پرهیز گردد.

اصل ۸: یافتن معادل برای آن دسته از واژه‌های بیگانه که جنبه جهانی و بین‌المللی یافته‌اند، ضروری نیست.

اصل ۹: در موارد معدودی که گزینش واژه‌ی معادل در قالبهای مرسوم زبان فارسی متداول میسر نباشد و ضرورت استفاده از روشهای تازه احراز شود بر طبق رأی شورای فرهنگستان عمل خواهد شد». (فرهنگستان زبان، ۱۳۷۸: ۳۵).

پیش از این، اصول نه گانه‌ی فوق بصورت مبسوط در مقاله‌ای نقد شده‌اند^(۱) و برای جلوگیری از تطویل کلام در اینجا ذکر نمی‌گردند. به نظر اینجانب فرهنگستان محترم در بسیاری از موارد اصول نه گانه‌ی خود را رعایت نکرده است. مثلاً در لغت «هوایز» به جای Aerosol، اصلهای اول و دوم و ششم رعایت نشده‌اند.

شرح کلی معایبی که لغات ترجمه شده‌ی فرهنگستان دارند و در جدول نقد لغات آمده‌اند:

۱ - نامفهوم: یعنی معنای لغت معادل، هرگز قابل فهم و زودیاب نیست مانند: مانک بجای پارک و آبوا بجای هیدروزول.

۲ - دستور غلط: یعنی ساختار دستوری لغت مورد نظر منطبق با دستور زبان فارسی نیست. مانند لغت شیشش بجای شیشه‌ای شدن، که ابتدا مصدر شگفت انگیز شیشیدن را ساخته، سپس از آن اسم مصدر ساخته‌اند. باید توجه داشت که افزودن شین مصدرساز به بن مضارع، قیاسی نیست بلکه سماعی است؛ یعنی نمیتوان این «ش» را به تمام بنهای مضارع افزود و اسم مصدر ساخت. چنانکه روش از رفتن، درست، اما دوش از دویدن نادرست است. افزون بر آنکه در این مورد خاص (شیشش) اصولاً «شیش» را بن مضارع «شیشه‌ای شدن» پنداشتن، خلاف قواعد زبان است.

۳ - عنصر مرده‌ی دستوری: به این معنا که از عناصر مرده‌ی دستوری فارسی دری یا زبانهای پهلوی و باستان استفاده کرده و لغت جدید ساخته‌اند. مانند استفاده از پسوند «آل» در لغت تختال، علامت‌گذاری در ترجمه‌ی marking off slab.

۴ - ترجمه‌ی تحت اللفظی: لغت مورد نظر، بدون توجه به کاربرد و خاصیتش، تنها بصورت تحت اللفظی ترجمه شده است. مثلاً لغت آبگره بجای hydrospher که مفهومی را نمیرساند (معنای اصلی این لغت، سطح زیر آب زمین است).

۵ - حذف بی دلیل: منظور آنست که خلاف اصول شناخته شده‌ی زبان فارسی، حرف یا حروفی از لغات، بی دلیل حذف شده‌اند و بالطبع لغت بی‌معنا گردیده است. مانند «فشر

گستر» بجای «فشارنده و گسترنده» و «هوایاد» بجای «دستور العمل پرواز»، در ترجمه‌ی Notice for airman^(۲).

۶ - **خلاف ذوق:** مانند پوشک بجای کاور، چرا که پوشک پیش از این به عنوان «پوششی که به نوزادان می‌بندند» شناخته شده است یا «پس خنک کن» بجای «خنک کننده‌ی نهائی» در ترجمه‌ی After cooler.

۷ - **لغاتی که غلط ترجمه شده‌اند:** مثلاً رده را واحد شمارش برای واگنهای قطار که دنبال هم چیده شده‌اند، انتخاب کرده‌اند در حالیکه «رده»، واحد شمارش برای چیدنیهایی عمودیست. مثلاً «رده‌های آجر که روی هم چیده میشوند»، و برای چیدنیهایی افقی، لغت «رشته» را باید بکار برد. مانند همین واگنهای قطار که رشته وار چیده می‌شوند نه رده وار.

۸ - **لغاتی که بی‌دلیل ترجمه شده‌اند،** که با علامت اختصاری «بی‌دلیل» در جدول نشان داده شده‌اند. یعنی لغاتی که قبلاً معادل آنها در زبان فارسی وجود داشته است، یا به شیوه‌ی استعاری قابل تعمیم به لغت جدید بیگانه‌اند^(۳). مثلاً بجای demurrage که بمعنای «خسارت دیر تخلیه کردن بار است»، معادل «دیرانه» را برگزیده‌اند. در حالی که نیازی به این لغت جدید نیست. زیرا در زبان لغاتی مانند خسارت، جریمه، دیرکرد، تاوان و... وجود دارند که در همین معنا به کار می‌روند (بگذریم از اینکه دیرانه، عیب معنایی و دستوری هم دارد).

شیوه‌ی ما در لغت سازی :

در میان منابعی که راجع به ترجمه وجود دارند، انواع روشهای لغت سازی در سه منبع بیشتر آمده‌اند^(۴). ما بر اساس آن روشها و الگوبرداری از دیگر منابع موجود، روشهای خود را برگزیده‌ایم. به گونه‌ای که فاقد هشت عیب برشمرده‌ی پیشین باشد و علاوه بر آن روشهای زیر را بکار برده‌ایم^(۵):

۱ - هرچقدر لغت قدیمی‌تر باشد، از اولویت ترجمه خارج میشود. بنابراین ساخت معادل برای لغاتی چون تلفن، از لحاظ نگارنده لزومی ندارد، مگر آنکه به‌رغم قدمت، همچنان نامفهوم باقی مانده باشد، مانند الکترو آنسفالوگرافی.

- ۲ - لغت ساخته شده، حتما مفهوم باشد، مانند دماسنج بجای ترمومتر. بنابراین لغاتی مانند «هوایز» به جای آئروزول قابل قبول نیست.
- ۳ - منطبق با دستور زبان فارسی باشد. بنابراین «نشستش»، به جای «رسوب» قابل قبول نیست، زیرا «ش» مصدرساز به بن ماضی نمی‌چسبد.
- ۴ - یک وجه نامگذاری برای اشیاء چند وجهی مثلا «سازمان آتش نشانی» خدمات متعددی را انجام میدهد، ولی تنها یکی از آنها (نشاندن آتش) در نامگذاری آن بکار رفته است.
- ۵ - پذیرش ترجمه‌ی تحت اللفظی در برخی موارد (نه همه موارد) مانند برج تقطیر به جای distillate tower، ولی «راه بالا» بجای آند قابل قبول نیست.
- ۶ - بر اساس کاربرد شیء، مانند «چرک خشک کن» یا «ضد چرک» به جای آنتی‌بیوتیک.
- ۷ - بر اساس شکل شیء، مانند دم باریک (نوعی ابزار).
- ۸ - بر اساس شباهت شیء به شیئی دیگر در طبیعت، مانند شنای قورباغه.
- ۹ - در بعضی موارد، یک لغت بیگانه را بعنوان لغت پایه‌ی بسیط برگزیده و از آن مشتق ساخته‌ایم مانند پلیمرسازی، (زبان‌شناسان این شیوه را آمیزش قرضی نام نهاده‌اند) که در آن لغت «پلیمر» بدون ترجمه پذیرفته شده است.
- ۱۰ - استفاده از عناصر زنده‌ی زبان.
- ۱۱ - پذیرش این نکته که گاهی ممکن است لغت معادل، از لغت اصلی طولانی‌تر باشد، مانند دروازه بان به جای گلر و اگر قرار باشد ترجمه را کوتاه کنیم، معنا فدا میشود. مانند «پروندان» بجای «پرونده دان».
- ۱۲ - با توجه به خصلت ترکیب‌پذیری زبان فارسی، تا سه ترکیب به راحتی قابل پذیرش است، مانند: برف پاک کن، گلگیرسازی.
- ۱۳ - وجود چند لغت برای یک مفهوم یا شیء عیبی ندارد و هر کدام کاربردهای خاص خود را دارند، چنانکه به «خودرو»، ماشین و اتومبیل نیز میگویند.

همچنین از روشهای زیر پرهیز شده است:

- ۱ - واژه‌سازی بدیع، مانند خَفَن به جای حیرت انگیز.
- ۲ - ترخیم، مانند دس به جای دست.
- ۳ - سر واژه سازی، مانند ناجا به جای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی.
- ۴ - آمیزشی، مانند عکاشی به جای عکاسی و نقاشی^(۶).

شرح جدول:

در اولین ستون این جدول، لغت علمی بزبان انگلیسی و بعضاً فرانسوی نوشته شده است که برای جلوگیری از تداخل، هر کجا لغت فرانسوی بوده با علامت اختصاری (fr) متمایز گردیده است. ستون دوم نام رشته‌ای است که لغت مربوطه به آن اختصاص دارد. شیمی، بیانگر مهندسی شیمی و مکانیک، بیانگر مهندسی مکانیک است و نام سایر رشته‌ها کامل ذکر گردیده‌اند، مانند: زیست شناسی، زمین شناسی، فیزیک، برق و... ستون سوم لغات، معادلی است که منابع مختلف راجع به لغت مورد نظر ساخته‌اند. در این ستون منظور از «بنیاد»، بنیاد فرهنگ است که در رژیم گذشته کار اصلی لغت‌سازی در رشته‌های مختلف علمی را عهده‌دار بود. منظور از فرهنگستان نیز فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی جمهوری اسلامی است. در ستون شرح لغت، لغت مربوطه بر اساس توضیحات همان منبعی که پیش از آن آمده است، تشریح می‌گردد. به همین دلیل ممکن است در این ستون به لغاتی برخورد کنیم که قبلاً مردود شناخته شده‌اند، ولی به دلیل حفظ امانت در اینجا عیناً بیان گردیده‌اند مثلاً در شرح polymerization می‌خوانیم: «عمل بهم پیوستن دو یا چند تکپار برای تولید یک بسپار» در حالیکه قبل از آن، لغات تکپار و بسپار را مردود اعلام کرده بودیم. ستون بعدی شرح معایب لغت مورد نظر و نقد آنست. در آخرین ستون نیز پیشنهاد جدیدی داده شده است.

پیشنهاد جدید	معایب و نقد	شرح لغت	منبع	معادلی که دیگران ساخته‌اند	رشته علمی	لغت انگلیسی	ردیف
التهاب پوست	۱ - کاملاً نامفهوم، بجای «پوست آماس» به راحتی میتوان گفت «التهاب پوست» و لغت «پایانگی» هم بکلی مجهول است. آیا به پا مربوط است؟	التهاب پوست دستها و پاها	فرهنگستان	پوست آماس پایانگی	پزشکی	acrodermatitis	۱
	لغت اصلاً مفهوم نیست.	ضخم شدن پوست دست و پا و صورت همراه با تغییر شکل استخوانهای دراز	فرهنگستان	بستر پایانگی	پزشکی	acropachyderma	۲
ذرات معلق	۱ - نامفهوم ۲- حذف خلاف قاعده ۳ - حتی کل لغت «هوا آویز» هم به معنای اراده شده نیست. به معنای کسی یا چیزیست که از هوا آویز شده است یا چیزی که هوا را به آن می‌آویزند، مانند دستاویز.	ذرات بسیار ریز جامد یا مایع معلق در هوا مختلف هواویز	فرهنگستان	هواویز	مخبط زیست	Aerosol	۳
«فشاپوش نشاسته‌ای» (ر-ک به دیسه که معادل آن فشاپوش تعیین شده بود).	۱ - عیب دستوری: حذف خلاف قاعده: نشاسته - نشا ۲ - نامفهوم: نشا بمعنای گیاه برنج است که در شالیزار می‌کارند.	نوعی دیسه‌ی بزرگ در سلول گیاهی که محل ذخیره‌ی نشاسته است.	فرهنگستان	نشادیه	زیست شناسی	amiloplast	۴

پیشنهاد جدید	معایب و نقد	شرح لغت	منبع	معادلی که دیگران ساخته‌اند	رشته علمی	لغت انگلیسی	ردیف
درصد اسید میزان اسید حجم اسید	<p>۱- غلط</p> <p>۲- عنصر مرده‌ی دستوری.</p> <p>۳- از معادل سازی جدید بی نیاز است.</p> <p>* ینه که به پایان اسم یا صفت می‌پیوندد، پسوند ا تصاف است و جنس را میرساند: زرینه، چوبینه، نرمینه، بنابراین اسیدینه، یعنی از جنس اسید، نه میزان اسیدی بودن محلول. کاربردهای دیگر ینه همگی مرده‌اند.</p> <p>۱- صفت زمان ساز: مانند: دوشینه سخرگه میان بست و درواز کرد همان لطف دوشینه آغاز کرد</p> <p>۲ سرچشمه‌ی نام چند خوراک: آردینه، خاگینه</p> <p>۲- به کمک نام چند جانور، اسم پوشاک میسازد: پلنگینه، گرگینه</p> <p>۴- یک مورد اسم ابزار: مکینه. این لغت نیازی به معادل سازی ندارد و لغاتی چون حجم، میزان، درصد، درجه وجود دارند:</p> <p>- اسیدینه‌ی این محلول ۵۰ درصد است. - درصد اسید این محلول ۵۰ درصد است. - میزان اسید این محلول ۵۰ درصد است. - حجم اسید این محلول ۵۰ درصد است.</p>	میزان اسیدی بودن یک محلول	فرهنگستان درسی	اسیدینیگی	شیمی	Acidity	۵
ترکیبات پیچیده‌ی شیمیایی	<p>بی معناست. فراگشت فقط می‌تواند بمعنای «فراتر از گردش کردن» باشد. زیرا گشت یا اسم است به معنی گردش کردن، یا فعل ربطی است یا فعل تام است.</p> <p>الف) اگر فعل تام باشد باید دانست که «فرا» وقتی به فعل می‌پیوندد، دو معنا دارد:</p> <p>۱- همراه بودن کار با فعل را می‌رساند مانند فرا رسید، یعنی رسید و به آن پیوست. در جمله‌ی «آب به دیوار خانه فرا رسید»، «فراگشت» معنایی ندارد.</p> <p>۲- معنای تأکیدی می‌دهد. مانند «فراگرفتن». در این صورت هم «فراگشت» یعنی «حتماً گشتن» و ربطی به فرایندهای شیمیایی ندارد.</p> <p>ب) اگر گشت اسم باشد، «فراگشت» به معنای «بالتر از گردش» است که باز هم ربطی به فرایندهای شیمیایی ندارد!</p>	فرایندهای شیمیایی ترکیبی در موجودات زنده	فرهنگستان	فراگشت	زیست شناسی	Anabolism	۶

پیشنهاد جدید	معایب و نقد	شرح لغت	منبع	معادلی که دیگران ساخته‌اند	رشته علمی	لغت انگلیسی	ردیف
<p>آویزه درد، زیرا آویزه را یک عضو بدن گرفتاریم و در بدن هر عضوی که درد میکند، نام آن عضو را با درد ترکیب کرده نام بیماری را می‌سازیم. مانند: سردرد، پادرد، دل درد، گلو درد، و... ضمناً خود آلودگی لغت جا افتاده‌ایست.</p>	<p>۱- عیب دستوری دارد. ۲- کم مفهوم. ۳- نیاز به ترکیب جدید ندارد: اولاً آویزه آماس درست است و حذف «ه» بی دلیل و خلاف دستور است. ثانیاً آویزه را معادل آلودگی گرفته‌ایم و بنابراین عضوی از اعضاء بدن است و می‌توان از لغت درد استفاده کرد. نیاز به آماس نیست.</p>	<p>عفونت و آماس آلودگی</p>	<p>فرهنگستان</p>	<p>آویزه آماس</p>	<p>پزشکی</p>	<p>appendicitis</p>	<p>۷</p>
<p>ممانع تن بدن بان دشمن ستیز نامگذاری بر اساس کار انجام شده</p>	<p>۱- ترجمه تحت اللفظی است. ۲- عنصر دستوری مرده در آن به کار رفته است. ۳- نامفهوم است. زیرا پادتن به معنای ضدتن است در حالی که آنتی بادی، ضد دشمنان تن است و مدافع تن.</p>	<p>پروتئینی است که در جانوران، زمانی که یک ماده‌ی خارجی وارد بافتهای آنان شود، به وجود می‌آید و با آن ترکیب می‌شود.</p>	<p>بنیاد</p>	<p>پادتن</p>	<p>زیست شناسی</p>	<p>Antibody</p>	<p>۸</p>
<p>ضد بدن بدن ستیز سم، زهر (توضیح اینکه سم و زهر لغات تازمائی نیستند اما برای ترجمه‌ی این لغت تاواند.</p>	<p>۱- عنصر دستوری مرده دارد. ۲- لغت نیمه فعال «گن» به معنای جنس به کار رفته است. ۳- ترجمه‌ی تحت اللفظی است. ۴- نامفهوم است.</p>	<p>هر ماده میکروبی یا سمی است که ورود آن به بدن، سبب ایجاد پادتن شود. پادگن از جنس بدن نیست.</p>	<p>فرهنگستان</p>	<p>پادگن</p>	<p>زیست شناسی</p>	<p>antigen</p>	<p>۹</p>

پیشنهاد جدید	معایب و نقد	شرح لغت	منبع	معادلی که دیگران ساخته‌اند	رشته علمی	لغت انگلیسی	ردیف
مرکز اشعاب	اگرچه مازہ به معنای ستون فقرات است اما لغت رایج و مفهومی نیست.	شیکدای با ظرفیت مجزای ازیابی زیاد که بنوعی ستون فقرات شیکدای بزرگ، شیکدای کوچکتر را بهم مرتبط می‌سازد.	فرهنگستان	مازہ	کامپیوتر	Back bone	۱۰
کلسیم سازی زائدرانی تکلیس	۱ - نامفهوم است. در زبان عربی به کلسیم، تکلیس می‌گویند، لذا آن را به باب تفعیل برده، لغت تکلیس را به معنای «کلسیم سازی» ساخته‌اند. اولاً اگر قرار باشد ترجمه تحت اللفظی کنیم بهترست آن را «کلسیم‌سازی» بنامیم که مفهوم آن واضح باشد. ثانیاً بهترست آن را مفهومی ترجمه کرد و این عمل را «زائند زدانی» نامید، زیرا طی آن مواد زائند، از هر ماده دلخواه جدا می‌شوند.	گرم کردن یک ماده در مجاورت هوا تا دمای زیاد، اما پایش تر از نقطه ذوب آن است تا به این روش مواد قرار آن از بین برود.	فرهنگستان	تکلیس	شیمی	Calcinations	۱۱
اکسیژن آلودگی بر (نامگذاری بر اساس مفهوم و کاربرد)	۱ - مخفف سازی خلاف روح زبان فارسی صورت گرفته است. ۲- ترجمه کامل تحت اللفظی که مفهوم نیست.	مقدار اکسیژنی که برای اکسیداسیون آلودگی موجود در پساب باید مصرف شود.	فرهنگستان - بنیاد	خاش، خواست اکسیژن شیمیایی	محیط زیست	Chemical oxygen demand	۱۲

پیشنهاد جدید	معایب و نقد	شرح لغت	منبع	معادلی که دیگران ساخته‌اند	رشته علمی	لغت انگلیسی	ردیف
سبزینه دار - سبزینه دار یعنی چیزی که سبزینه دارد	۱- معنایی: با توجه به معانی دیسه، سبز دیسه می‌تواند به دو معنا باشد. ۱- شبیه سبز ۲- سبز رنگ، که هیچکدام مفهوم ارائه شده را نمی‌رساند.	دانه‌های ریز دارای سبزینه که در پاخته‌های گیاهی یافت می‌شود.	فرهنگستان	سبز دیسه	زیست شناسی	Chloroplast	۱۳
جمع کن، بازکن	۱- عیب دستوری دارد. ۲- نامفهوم است و حذف بی‌دلیل دارد. فشارنده و گسترنده تبدیل به «فشرگستر» شده است و مفهومی هم ندارد.	سیستمی که سیگنال را در فرستنده فشرده و در گیرنده باز می‌کند	فرهنگستان	فشرگستر	مخابرات	comparator	۱۴
مردم برای چنین مواقعی از جمله استفاده می‌کنند. مثلاً می‌گویند: «از ته کوچه دور زن»، «ته کوچه جای دور بر گردان دارد»	۱- ایراد مفهومی دارد. ۲- خلاف ذوق است. بن گرد، یعنی کسی یا چیزی که انتهایش می‌چرخد نه جایی که بتوان در آن دور زد.	کوچه‌ای بن بست که در انتهای آن محل مخصوصی برای دور زدن وسایل نقلیه در نظر گرفته می‌شود.	فرهنگستان	بن گرد	ترافیک	Cul-de-sac	۱۵
صدای ترکیدن	۱- معنای نادرست دارد. ۲- دستور غلط. ۳- ترجمه نمی‌خواهد. اولاً از مصدر جعلی جرقیدن، اسم مصدر نادرست جرقش ساخته‌اند. ثانیاً جرقه و جرقه زدن بمعنای صدا دادن نیست، ثالثاً صدائی که از چیزی بر می‌خیزد، نیاز به ساختن لغت تازه ندارد!	به صدای گهنگه می‌شود که از ترکیدن یا شکاف برداشتن بلورهای بعضی مواد هنگام گرما دادن انجام می‌شود.	بنیاد	جرقش	شیمی	decrepitation	۱۶

ردیف	لغت انگلیسی	رشته علمی	معدلی که دیگران ساخته‌اند	منبع	شرح لغت	معایب و نقد	پیشنهاد جدید
۱۷	demurrage	مکانیک (حمل و نقل)	دیرانه	فرهنگستان	خسارت تأخیر در تخلیه و آلتیا که از طرف راه آهن مقصد به راه آهن مبدأ پرداخت می‌شود.	۱- بی نیاز از ترجمه است. ۲- از حیث دستوری اولاً این لغت، از لغاتی است که نیازی به ترجمه‌ی خاص و معادل‌گذاری ندارد، بلکه به صورت عمومی به چنین حالاتی خسارت یا دیرکرد یا جریمه می‌گویند. ۲- دیرانه ترکیب «قید + انه» است که در زبان نداریم، به فرض ساختن هم باز این ترکیب صفت است نه اسم و نمی‌تواند بجای «خسارت» که اسم است بکار رود.	دیرکرد - جریمه - خسارت - جریمه‌ی تأخیر
۱۸	devitification	شیمی	واشیش	بنیاد	عمل تبلور شیشه است.	۱- دستور غلط. ۲- خلاف ذوق. ۳- نامفهوم. خلق لغت واشیش بجای «تبلور شیشه» حقا که از شاهکارهای لغت سازی است.	تبلور - تبلور کردن - تبلور سازی
۱۹	Drag	مکانیک (هوایی)	پسار	فرهنگستان	درست مخالف برآر نیروست که سبب ایستادن یا کندی حرکت جسم می‌شود.	علاوه بر تمام معایب «برآر»، خلاف ذوق هم هست، چه «پس آر» یعنی استفراف کن.	نیروی مقاوم - نیروی بازدارنده - نیروی مخالف
۲۰	elastomer	شیمی	کشبار	فرهنگستان	بسیاری یا خواص کشسانی لاستیک طبیعی	۱- تحت اللفظی. ۲- دستور غلط. ۳- نامفهوم. ۴- خلاف ذوق است و هیچ معنا و مفهومی ندارد.	۱- درشت مولکول کشسانی ۲- پلیمیر کشسانی
۲۱	polymer	شیمی	بسیار	بنیاد - فرهنگستان	مولکول عظیم‌الجثه‌ای که از مولکولهای ساده با جرم مولکولی کم ساخته می‌شوند.	۱- تحت اللفظی. ۲- دستور غلط. ۳- نامفهوم. ۴- خلاف ذوق. ابتدا ترجمه‌ی تحت اللفظی کرده، لغت «پسی پاره» را ساخته‌اند. سپس با حذف خلاف قاعده «ی» و «ه» را حذف کرده بسیار را بوجود آورده‌اند.	«درشت مولکول» یا «مولکول درشت» نامگذاری بر اساس خاصیت است. «مهندسی پلیمیر» - «مهندسی مولکولهای درشت» مثال: این ماده پلیمیر است. این ماده درشت مولکول است.

پیشنهاد جدید	معایب و نقد	شرح لغت	منبع	معادلی که دیگران ساخته‌اند	رشته علمی	لغت انگلیسی	ردیف
زبان کوچک	۱- نامفهوم. ۲- خلاف ذوق. ۳- بی‌دلیل. بر (بالا) + چاک (شکاف) + نای جمعاً به معنای چیزی که بالای شکاف نای قرار دارد.	زبانهای که بالای حنجره قرار دارد و مانع ورود غذا به نای می‌شود. در زبان عامه به آن «زبان کوچک» می‌گویند.	- فرهنگستان - درسی	برچکانای	زیست شناسی	epiglottis	۲۲
«رها در آبه» یا «در آب رها» مثال: - این ذرات «هیدروژول» هستند. - این ذرات «آبوا» هستند. این ذرات «در آب رها» هستند. که جمله دوم نامفهوم، اما جمله‌ی سوم پیشنهادی ما مفهوم است.	آبوا را مخفف «آب‌اندورا» گرفته‌اند. معایب: ۱ - نامفهوم. ۲ - عیب دستوری. عیب دستوری این است که حذف خلاف قاعده دارد و عیب مفهومی اینست که خود لغت «آب‌اندورا» هم به معنای «معلق در آب» نیست. تا چه رسد به مخفف سر و ته شکسته‌ی آن، یعنی آبوا	اصطلاحی است که به کلونیدهای معلق در آب، اطلاق می‌شود. به این ترتیب که کلیه محلولهای کلونیدی آبی «آبوا» هستند.	بنیاد	آبوا	زیست شناسی	hydrosol	۲۳
- درشت ساز بونی - پیپسر بونی	تمام معایب تکپار را دارد و اصلاً هم مفهوم نیست.	تکپاری مشابه بون	فرهنگستان	یونپار	شیمی	ionomer	۲۴
- یونیزه کردن - باردار کردن	عیب دستوری: از مصدر جعلی اسم مصدر ساخته‌اند.	شکستن مولکولها توسط الکترولیز به یونهاست.	- درسی - فرهنگستان	یونیش	شیمی	Ionisation	۲۵

پیشنهاد جدید	معایب و نقد	شرح لغت	منبع	معادلی که دیگران ساخته‌اند	رشته علمی	لغت انگلیسی	ردیف
هم عصری	معایب همپاری را دارد		فرهنگستان	هم پاری	شیمی	isomerism	۲۶
هم عصر شدن	۱- بی معنا. ۲- خلاف ذوق. ۳- خلاف قاعده. (ر.ک. همپار) ساختن چنین لغاتی، مردم را از زبان فارسی دور می‌کند.	فرآیندی که باعث می‌شود یک ترکیب به همپار آن ترکیب تغییر یابد.	فرهنگستان - درسی	همپارش	شیمی	isomerization	۲۷
چرخ فرود	۱- نیاز به ساختن لغت خاص جدید ندارد، بلکه یک نوع چرخ است و می‌توان با آوردن مضاف الیه، ویژگی آن را تعیین کرد. مانند دهها نوع چرخ دیگر: چرخ ماشین، چرخ دوچرخه، چرخ چوبی، چرخ بادی	پایه یا چرخي که هواگرد با آن بر زمین می‌نشیند.	فرهنگستان	ا- پایه فرود ب- فرود افتزار	حمل و نقل (مکانیک)	Landing gear	۲۸
بالابور (نیروی بالابور) - نیروی محرکه	۱- نامفهوم. ۲- ساختار دستوری مبهم دارد، آیا برآر مخفف برآورنده است؟ که در این صورت چنین تخفیفی درست نیست. آیا برآر فعل امر است؟ یعنی بالا بیاور؟ که در اینصورت هم اولاً فعل است و نمیتواند بجای اسم بکار رود، ثانیاً «بر» در افعال، همیشه معنای بالا نمیدهد. مثلاً در «برگرد» و «برخور». بنابراین در مجموع لغت مناسبی نیست و مبهم است.	نیرویی که بر اثر برخورد هوا یا سطح فوفانی و تحتانی بال ایجاد شده و موجب بالارفتن هواپیما یا ادامه‌ی پرواز آن می‌شود.	فرهنگستان	برار	مکانیک (هوائی)	Lift	۲۹
بالابور، چون مهمترین کار لیفت تراک، بالابردن است.	عنصر مرده‌ی دستوری «ه» آلت ساز در آن استفاده شده است.	نوعی جرثقیل کوچک برای بلند کردن و جابجایی بارهای سنگین	فرهنگستان	اقترازه	علوم هوائی	Lift truck	۳۰

پیشنهاد جدید	معایب و نقد	شرح لغت	منبع	معادلی که دیگران ساخته‌اند	رشته علمی	لغت انگلیسی	ردیف
اندام پروتئین سازی - نامگذاری بر اساس کاربرد	حروف «رنا» را از RNA گرفته‌اند و دو ایراد دارد: ۱- ایراد دستوری: بجای یک کلمه‌ی بسیط فرض کرده، پسوند تن را به آن افزوده‌اند و رناتن را بمعنای چیزی که از جنس رنا هست گرفته‌اند. ۲- ایراد معنایی: اولاً لغت نامفهومی است. ثانیاً رناتن یعنی «تنش شبیه رناست» نه از جنس رنا. مانند پیلتن.	اندامک درون پاختای که عمدتاً از رنا (RNA) تشکیل شده و جایگاه سنتز پروتئین است.	فرهنگستان	رناتن	زیست شناسی	Ribosome	۳۱
از طبیعت می‌تان کمیک گرفت، کانگورو چنین خاصیتی دارد و جهشهای کوتاه میکند. مولیپیمای کانگورونی	اگر صرفاً بصورت یک علامت اختصاری باشد، عیبی ندارد مانند «تراجا» یا «ساواک»، ولی اگر بصورت اسم درآید، خلاف روح زبان فارسی است.	صورت اختصاری «هست و برخاست کوتاه»	فرهنگستان	هواپیمای نوک	علوم هوایی	Short take and landing	۳۲
ذرات معلق	لغت نامفهوم و خلاف ذوقی است.	ذره‌های جامد یا مایع است که در درون گاز پراکنده شده‌اند.	بنیاد	آندورا	شیمی	Suspension	۳۳
جاسازی، اسمی کلی است که برای انواع پدیده‌ها میتوان بکار برد، و دلیلی ندارد برای هر نوع جاسازی یک اسم خاص بسازیم، مثلاً می‌گوئیم: جاسازی عمل از موم که کاملاً مفهوم است.	۱- عیب دستوری. ۲- نامفهوم. ۳- بی نیاز از ساخت لغت جدید هستیم. نخستین بجای نشست کردن، خلاف دستور زبان فارسی است. ضمناً نشست کردن یا ته نشین شدن معمولاً برای مخلوط جامد و مایع بکار می‌رود.	جداکردن یک مخلوط جامد بوسیله گرم کردن تا اینکه یکی از اجزاء مشکلی ذوب شده بتواند جداشود. مانند جداکردن عسل از موم	بنیاد	نشستش	شیمی	Liquation	۳۴

پیشنهاد جدید	معایب و نقد	شرح لغت	منبع	معادلی که دیگران ساخته‌اند	رشته علمی	لغت انگلیسی	ردیف
آب میان بافتی (فرهنگ معین)	ظاهراً تنابه را به معنای آبی که منسوب به تن است، ساخته‌اند. ۱- عیب دستوری دارد، زیرا اولاً آبه، به معنای منسوب به آب نیست زیرا «ه» بر سر اسامی نمی‌آید جز در دو حالت: ۱- اسم آغاز میسازد: زبان-زبان، دست -دسته، پای -پایه ۲- اسم مکان می‌سازد: دماغه، گردنه، بیراهه، همچنین تناب به معنای آب تن است که ارتباطی با مفهوم ارائه شده ندارد.	ماع شفافی که در مجاری خاصی به نام مجاری تنابهای جریان دارد (فرهنگستان) معادل فرانسوی این لغت lamf است و ملایی است که حول سلولهای بدن قرار دارد و رابط بین سلولهای بدن و خون است و اصل ماع لئاف از پلاسمای خون است. (فرهنگ معین)	فرهنگستان -فارسی	تنابه	زیست شناسی	lymph	۳۵
واحد -پاره -یک مولکول آب از چه آتمهایی تشکیل شده است؟ -یک واحد آب از چه ذراتی تشکیل شده است؟	اما لغت مولکول بسیار جاافتاده است. اگر از روز اول برای آن معادلی ساخته میشد بهتر بود. لغاتی مانند «واحد» یا «پاره» برای مولکول و «ذره» برای اتم مناسب بودند.	کوچکترین جزء آزاد یک جسم ساده یا مرکب است که تمام خواص آن جسم را دارد.		مولکول	شیمی	Molecule	۳۶
- واحد ساختمانی کلیه -واحد کلیه ساز	۱- عیب دستوری دارد: گرد را مخفف کرده گرفته‌اند ۲- عنصر مرده‌ی دستوری دارد: «ایزه» مرده‌ی پهلوی را که علامت تصغیر بوده است به آن افزوده‌اند ۳- نامفهوم: گردیزه بمعنای کلیه کوچک.	واحد ساختمانی و کارکردی کلیه در مهره داران	فرهنگستان	گردیزه	زیست شناسی	Nephron	۳۷
-دستورالعمل -فرمان -دستور -دستور پرواز	۱- ایراد دستوری دارد. ۲- ترجمه تحت اللفظی است. ۳- ایراد معنایی دارد. ۴- بی نیاز از لغت جدید هستیم و حذف بی دلیل دارد. هوایاد به معنای یاد هوا است نه مفهوم ارائه شده و اصلاً احتیاج به لغت خاص و جدید ندارد. دستورالعمل، دستورالعمل، است برای هر کجائی که می‌خواهد باشد فرقی نمی‌کند.	مخفف یادداشت‌های هوایی، دستورالعمل‌های سازمان هواپیمائی کشوری	فرهنگستان	هوایاد	علوم هوایی	Notice for air man	۳۸

پیشنهاد جدید	معایب و نقد	شرح لغت	منبع	معادلی که دیگران ساخته‌اند	رشته علمی	لغت انگلیسی	ردیف
زیرا پلمبری است که وزن آن کم است. -درشت مولکول سبک -پلمبر سبک	تمام معایب کشپار را دارد	پلمبری با جرم مولکولی کم	فرهنگستان	کم بار	شیمی	oligomer	۳۹
غشاپوش، چون محصور در غشاء است.	نامفهوم است، هیچکدام از معانی دیسه، ارتباطی با مفهوم ارائه شده ندارد. ۱- رنگ ۲- شباهت ۳- پسوند شباهت مانند طاق‌دیس	یکی از آن‌ها همکهای سلولی محصور در غشاء که در سلولهای گیاهی یافت می‌شود و وظائف فیزیولوژیکی متفاوتی مانند سنتز و ذخیره سازی مواد را بر عهده دارد.	فرهنگستان	دیسه	زیست شناسی	Plastid	۴۰

نتیجه‌گیری

همانطور که در نقد چهل لغت مشاهده شد و در متن مقاله نیز آمد، لغات ساخته شده در فرهنگستان، به رغم اصولی که برای خود برشمرده‌اند، معایبی دارند که اهم آنها عبارتند از:

نامفهوم بودن ترجمه، افراط در استفاده از ترجمه تحت اللفظی، حذف‌های بی دلیل، رعایت نکردن دستور زبان فارسی، رعایت نکردن ذوق در لغت سازی و ترجمه لغاتی که نیاز به ترجمه ندارد. بدیهی است رفع این عیوب، همانگونه که در این مقاله پیشنهاد شده است، نیازمند روی آوردن به مبانی متداولتر و مستحکمتری است.

پی‌نوشت:

- ۱- ر.ک: مقاله بررسی واژه‌های عمومی مصوب فرهنگستان، دکتر مجتبی منشی‌زاده، و بابک شریف، مجله زبان و ادب، شماره ۲۴، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲- اگرچه زبانشناسان، این نوع ترجمه را در بعضی موارد پذیرفته‌اند و آن را اختصارسازی نام نهاده‌اند. (ر.ک: شقاقی، ۱۳۸۷: ۱۰۸)، ولی بدیهی است که موارد درست کاربرد این روش، مانند «ع» بجای «علیه السلام»، با کاربردهائی مانند فشر گستر تفاوت دارد.
- ۳- زبانشناسان، این روش را گسترش استعاری نام نهاده‌اند. (ر.ک: شقاقی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).
- ۴- شامل کتابهای: لغت سازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی دکتر خسرو فرشیدورد، شیوه‌های لغت سازی و اصطلاح یابی دکتر امید مجد و مبانی صرف واژه دکتر ویدا شقاقی.
- ۵- این روشها بیست و دو روشند که سیزده روش آن بصورت فشرده در اینجا آمده‌اند برای دیدن شرح کامل این روشها ر.ک. امید مجد، ۱۳۸۴.
- ۶- برای دیدن این روشها ر.ک. شقاقی، همان: ۸۵ به بعد.

منابع

- اصول و ضوابط واژه‌گزینی (۱۳۸۷) گروه واژه‌گزینی، ویرایش دوم، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۷) مبانی صرف واژه، چاپ دوم، تهران، سمت.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۹) درباره‌ی ادبیات و نقد ادبی، ج ۲، تهران، امیرکبیر.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲) دستور مفصل امروز، تهران، سخن.
- فرهنگ اصطلاحات علمی (۱۳۴۹)، گروه مؤلفان به سرپرستی پرویز شهریاری، جلد‌های ۱ و ۲ و ۳، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- فرهنگ اصطلاحات مهندسی شیمی (۱۳۷۰)، گروه مؤلفان، تهران، جهاد دانشگاهی صنعتی شریف.
- فصلنامه‌ی نامه‌ی فرهنگستان (۱۳۷۴) «مصوبه‌ی اصول و ضوابط واژه‌گزینی». سال اول، جلد اول.
- مجد. امید (۱۳۸۴) شیوه‌های لغت‌سازی و اصطلاح‌یابی در رشته‌های علمی، تهران، امید مجد.
- منشی زاده، مجتبی (۱۳۸۴) «بررسی واژه‌های عمومی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی» مجله‌ی زبان و ادب فارسی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره‌ی ۲۴.
- مک، گروهیل (۱۳۷۹) فرهنگ تشریحی علوم مهندسی، مترجم محمدرضا افضل، تهران، دانشیار.
- میرزنده دل، احمد (۱۳۷۶) فرهنگ مهندسی مکانیک، تهران، امیرکبیر.
- واژه‌های پزشکی ۱ (۱۳۷۹) گروه واژه‌گزینی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های تخصصی حمل و نقل ریلی ۱ (۱۳۷۸) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های تخصصی حمل و نقل ریلی ۲ (۱۳۸۰) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های تخصصی حمل و نقل ریلی ۲ (۱۳۷۹) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های تخصصی حمل و نقل ریلی ۱ (۱۳۷۹) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های تخصصی رایانه ۱ و ۲ (۱۳۸۱) گروه واژه‌گزینی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های حمل و نقل هوایی ۱ (۱۳۷۸) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
واژه‌های ریاضی کتابهای درسی مدارس ۱ (۱۳۸۲) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های زیست‌شناسی درسی مدارس (۱۳۸۲) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های شیمی ۱ (۱۳۸۰) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های شیمی ۲ (۱۳۸۱) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های شیمی ۳ (۱۳۸۲) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های شیمی ۱ (۱۳۷۸) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های علوم دامپزشکی ۱ (۱۳۷۸) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های علوم زمین (۱۳۸۰) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های علوم زمین ۳ (۱۳۸۱) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های علوم زمین (۱۳۷۸) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های فیزیک کتابهای درسی مدارس ۱ (۱۳۸۲) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های کشاورزی شاخه زراعت و اصلاح نباتات جلد ۱ و ۲ (۱۳۸۲) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های مخابرات ۲ (۱۳۸۰) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های موسیقی ۱ (۱۳۸۰) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های مهندسی محیط زیست و انرژی (۱۳۸۱) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های ورزش ۱ (۱۳۸۰) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

واژه‌های هنرهای تجسمی (۱۳۷۸) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.